

دلبستگی ادراک شده دوران کودکی با میانجی گری دلبستگی به خدا، ارائه مدل علی مهار و کنترل خشم

تاریخ پذیرش مقاله: 92/2/24

تاریخ دریافت مقاله: 92/2/9

قاسم هزاری *

فاطمه شهابی زاده **

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناخت دلبستگی به خدا به عنوان میانجی گر ادراک دلبستگی دوران کودکی به هر والد (ایمن و نایمن) و مولفه های خشم بود. 350 دانشجوی با روش خوشه ای چند مرحله ای از دانشگاه آزاد کاشمر مقیاس های ادراک دلبستگی به والد (هازان و شیور، 1986)، دلبستگی به خدا (روات و کرک پاتریک، 2002) و مهار و کنترل خشم (اسپیلبرگر، 1999) تکمیل کردند، جهت تحلیل نتایج از تحلیل عاملی و روش مدل یابی معادلات ساختاری بهره گرفته شد. نتایج نشان دادند دلبستگی به خدا به ویژه دوسوگرایی به طور کامل ارتباط بین دلبستگی نایمن به هر والد (به ویژه نایمنی به پدر) و مولفه های خشم (به ویژه خلق و خوی خشم) را میانجی گری می- کند. به عبارتی دلبستگی به والد نقش مستقیمی در کنترل و مهار خشم نشان نداد که حاکی از اهمیت معنویت و ارتباط عاطفی با خدا است.

واژه های کلیدی: دلبستگی ادراک شده دوران کودکی، دلبستگی به خدا، خشم

هیجان‌ها پدیده‌هایی ذهنی، زیستی، هدفمند و اجتماعی هستند. که در افراد مختلف با شرایط یکسانی بروز می‌کند و تاثیرپذیری زیادی از شرایط فرهنگی، یادگیری ندارند و پاسخ‌های فیزیولوژیک مشخصی را فرا می‌خوانند (ریو،² سیدمحمدی، 1385) یکی از هیجان‌هایی که در زندگی تمامی افراد نقش مهم و موثری دارد، خشم³ است. رایه تعریفی از خشم بسیار دشوار است، زیرا افراد از نظر زمان، علت خشم و نحوه واکنش به آن متفاوت هستند (راسل⁴ و فر⁵، 1990؛ به نقل از کلینکه، 1386).

به نظر اسپیلبرگر⁶ و همکاران (2003، به نقل از خدایاری فرد و همکاران، 1386)، خشم یک حالت روانی - زیستی است که با تنش عضلانی و برانگیختگی سیستم عصبی خودکار همراه است. وی دو نوع حالت خشم و صفت خشم را از هم متمایز می‌کند: حالت خشم⁷ به واکنش‌های خشمگینانه‌ای گفته می‌شود که در پاسخ به یک محرک برانگیزاننده وجود می‌آیند و شدت آن با توجه به ماهیت محرک و صفت‌های شخصیتی افراد از تحریک پذیری، خفیف تا خشم شدید تغییر می‌کند، اما صفت خشم⁸ به یک صفت شخصیتی اشاره دارد که افراد مستعد آن بسیاری از موقعیت‌ها را تهدید آمیز و محروم کننده ارزیابی کرده و گرایش مداومی به واکنش‌های خشمگینانه دارند. دفن باخر، اوتینگ، لینچ، و موریس⁹ (1996) اظهار داشتند افراد با صفت خشم بالا، نه تنها خشم را به طور مکرر و شدید تجربه می‌کنند، بلکه پیامدهای منفی بیشتری را در نتیجه این خشم خود، تجربه می‌کنند.

جایگاه خشم در علم روان شناسی بسیار حساس می‌باشد و می‌تواند ریشه بسیاری از اختلالات روانی محسوب شود. ابراز خشم ممکن است منجر به تعارض‌های خانوادگی، بین فردی، شغلی، ارزیابی منفی دیگران از فرد، خود پنداره منفی و اعتماد به نفس پایین گردد (کالاماری و پینی¹⁰، 2003).

یکی از عوامل مهم و مؤثر بر احتمال بروز رفتار خشمناک و کیفیت بروز آن، میزان و چگونگی رشد دلبستگی در فرد می‌باشد. بالبی¹¹ (1973) استدلال کرد که الگوهای مؤثر دلبستگی، نقش مهمی در تجربه خشم بازی می‌کنند. فرضیه اصلی وی این بود که خشم یک همبسته‌ی قابل پیش بینی از دلبستگی غیر ایمن است. بر این اساس مورد بی‌اعتنایی و بی‌علاقگی چهره دلبستگی واقع شدن و طرد شدن، سبب می‌شود خشم شدید ابتدا به سمت فرد دلبسته متمایل شده، و سپس گرایش به خشم سرکوب شود. و در نهایت به سمت سایرین تغییر جهت دهد. اگر روابط عاطفی با والد خوب پیش رود، حس امنیت بوجود می‌آید و اگر مورد تهدید قرار گیرد و تهدیدها نیز پایدار بماند، واکنش‌های عاطفی مخدوش مانند سطح بالای خشم بوجود می‌آیند (بالبی، 1973؛ به نقل از مینر، بناب¹²، 2009). روی هم رفته، مطالعات متعددی (از جمله کالاماری و پینی، 2003؛ مسترز و موریس¹³، 2002؛ موریس، مسترز، مورن و مورمن¹⁴، 2004؛ تروسی و آرگینو¹⁵، 2004) نشان دادند افراد با دلبستگی نایمن سطوح بالایی از

² Reeve, J. M.

³ Anger.

⁴ Russel, J. A.

⁵ Fehr, B.

⁶ Spielberger, C.

⁷ State anger

⁸ Trait anger.

⁹ Deffenbacher, Oetting, Lynch & Morris

¹⁰ Calamari & Pini

¹¹ Bowlby, J.

¹² Miner & Bonab

¹³ Meesters & Muris

¹⁴ Muris, Meesters, Morren & Moorman

¹⁵ Troisi & Argenio

خشم را گزارش می‌دهند.

به هر حال عقیده رایج بر این است که کیفیت دلبستگی بر بسیاری از ابعاد زندگی کودکان اثرات درازمدتی دارد (بارگز، مارشال، روبین و فوکس¹⁶؛ 2003). زیرا الگوهای های ذهنی اولیه و طرحواره‌های مثبت اولیه از خود و دیگران، که در متن روابط عاطفی با والد شکل می‌گیرد به عنوان فیلترهای شناختی برای تجربیات بعدی در موقعیت‌های پر فشار و پر خطر عمل می‌کنند. (مونهلند¹⁷ و برترتن¹⁸ 1999؛ به نقل از مینر و همکاران، 2009). نتایج مطالعات دیگر (اسپلیتز، دکلیین و گرینبرگ¹⁹، 1999؛ لیون راث²⁰، 1996؛ وان - ایزندورن²¹، 1997؛ روبین و همکاران²²، 2004؛ هلیستر - واگنر، فوشی و جکسون²³، 2001)، هماهنگ با تئوری دلبستگی رابطه منفی بین رفتار پرخاشگرانه و دلبستگی ایمن در دوران کودکی را گزارش کرده اند. همخوان با داده های بدست آمده در باره کودکان، پژوهش های انجام شده درباره بزرگسالان نیز بر ارتباط منفی بین سبک دلبستگی ایمن و رفتارهای پرخاشگرانه تاکید داشته است (روبین و همکاران، 2004؛ آربونا و پاور²⁴، 2003؛ بن - زار²⁵، 2003؛ هلیستر - واگنر و همکاران؛ 2001).

یک امر تحولی مهم دیگر در طول فرایند رشد کودک، شکل گیری دلبستگی به خداوند است. رابطه بین فرد و خدا به عنوان یک رابطه ی دلبستگی تلقی می‌شود. (کرک پاتریک و شاور²⁶، 1990). از حدود دهه نود میلادی کرک پاتریک دلبستگی را به عنوان چارچوبی توانمند برای درک و یکپارچه کردن بسیاری از جنبه‌های باور دینی و دلبستگی به خدا در نظر گرفته است (کرک پاتریک، 1990). کرک پاتریک (1997) دو فرضیه را در ارتباط با دلبستگی به خدا فرض می‌کند. فرضیه مطابقت²⁷ رابطه مستقیم بین دلبستگی ایمن به والدین و دلبستگی به خدا را نشان می‌دهد و فرضیه جبران²⁸ مربوط به افراد دلبسته شده نا ایمن است که دلبستگی های ایمن را در جایی دیگر جستجو می‌کنند، در این گروه خدا می‌تواند منبع دلبستگی ایمن باشد (گرنکو یسیت و هیجکوتل²⁹، 2003؛ گرنکو یسیت و کرک پاتریک، 2004). دلبستگی ایمن به خدا نیز همانند روابط انسانی با پیامدهای روانی سالم همچون خوش بینی، رضایت مندی از زندگی و کاهش اضطراب افسردگی و بیماری های جسمی، تداعی می‌شود (کرک پاتریک و شاور، 1992؛ سیم و لو³⁰، 2003)، و دلبستگی غیر ایمن به خدا منجر به سلامتی و سازگاری کمتر از حد مطلوب از جمله سلامت وجودی و مذهبی کمتر، اختلال عصبی و افزایش احساسات منفی، ارتباط دارد (بک و مک دونالد³¹، 2004؛ روات³² و کرک پاتریک، 2002). لذا دلبستگی ایمن به خدا می‌تواند نقش موثری در کنترل و مهار خشم داشته باشد. نتایج مطالعه (برادشو، ایسون، مارکیوم³³، 2010) نشان داد که رابطه منفی معناداری بین دلبستگی به خدا و پریشانی روانی وجود دارد.

بنابراین با توجه به ارتباط دو به دوی متغیرها (همبستگی مرتبه صفر) در زمینه نقش هر یک از خرده نظام

¹⁶ Burgess , Marshall, Rubin & Fox

¹⁷ Munhollan.k.A.

¹⁸ Bretherton.I.

¹⁹ Speltz, Deklyen & Greenberg

²⁰ Lyons-Ruth, K

²¹ Van-Ijzendoorn, M.H

²² Rubin & etal

²³ Hollister-wagner, Foshee & Jackson

²⁴ Arbona & Power

²⁵ Ben-Zar, H

²⁶ kirkpatrick & Shaver

²⁷ Correspondence hypothesis.

²⁸ Compensation hypothesis.

²⁹ Granqvist & Hagekull

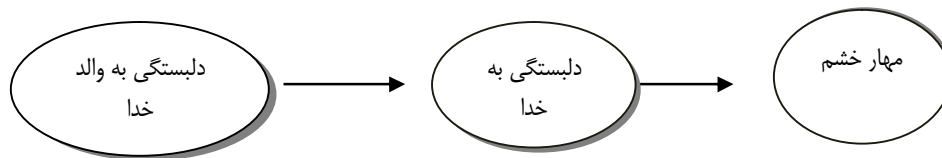
³⁰ Sim & Loh

³¹ Beck & Mcdonald

³² Rowatt, W.C

³³ Bradshaw, Ellison & Marcum

دلبستگی به والد و ارتباط با خدا، پژوهشگر بر آن شد تاثیر همزمان هر دو عامل دلبستگی به والد و خدا را در مهار خشم بررسی کند که تاکنون با توجه به روش مدل یابی بررسی نشده است. در مجموع با در نظر گرفتن مبانی نظری و پژوهش های مذکور مدلی مفهومی همچون شکل 1 می توان تدوین و مورد آزمون قرار داد. مسأله اصلی پژوهش کنونی این است که آیا دلبستگی ادراک شده دوران کودکی، دلبستگی به خدا و خشم در قالب مدل شکل 1 برازش کافی دارد و آیا دلبستگی به خدا میانجی گر این رابطه است؟ در مجموع مدل ذیل نقش مولفه های عاطفی والد و خدا را در تبیین خشم به تصویر کشیده است.



شکل 1. مدل مفهومی مهار خشم، تاریخچه دلبستگی و دلبستگی به خدا، سازه های مکنون در بیضی نشان داده شده است.

همانطور که شکل 1 نشان می دهد فرض شد دلبستگی ایمن و نایمن به هر والد از طریق میانجی گری دلبستگی به خدا کاهش دهنده خشم است.

روش

طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی و غیر آزمایشی است که در آن از روش مدل یابی معادلات ساختاری بهره گرفته شده است. جامعه آماری، کلیه دانشجویان مقطع کاردانی و کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر، تشکیل داده اند. بر پایه پیشنهاد جیمز استیونس³⁴ در نظر گرفتن 15 مورد برای هر متغیر پیش بین در تحلیل رگرسیون چند گانه مناسب می باشد (هومن، 1384). لذا حجم نمونه با احتمال ریزش 5 درصدی 350 نفر به صورت نمونه برداری چند مرحله ای انتخاب شدند. از این تعداد، 29 پاسخنامه به دلیل مخدوش و یا ناقص بودن از تحقیق خارج شد و نمونه نهایی را 321 نفر تشکیل دادند. جهت بررسی اعتبار ابزار ها از آلفای کرونباخ و روایی سازه از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. ابزار های مورد استفاده عبارت بودند از:

الف. مقیاس سبک دلبستگی به هر والد³⁵ (هازان³⁶ و شیور، 1986)، مقیاس شامل 6 بند (3 ماده برای هر والد) است که برای غلبه بر محدودیت های روش انتخاب اجباری، از پاسخ دهندگان خواسته می شود تا تجربه های دوران کودکی خود با هر والد را بر اساس مقیاس چند درجه ای از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق تعیین کنند (گرنگوئیست و همکاران، 1999 به نقل از شهابی زاده و همکاران، 1387). در مطالعه شهابی زاده (1391) جهت غلبه بر محدودیت های سنجش تک ماده ای، جملات هر بند به صورت 12 ماده جداگانه برای هر والد مطرح شد. ضرایب آلفای کرونباخ به ترتیب برای دلبستگی نایمن و ایمن به مادر 0/77 و 0/86 و همچنین ضرایب آلفای کرونباخ برای دلبستگی نایمن و ایمن به پدر به ترتیب 0/88 و 0/9 به دست آمد که حاکی از اعتبار مقیاس است. تحلیل مولفه های اصلی³⁷ با چرخش ابلیمین³⁸ در هر دو مقیاس والد، ساختار ساده 2 عاملی را نشان داد که به ترتیب 47% و 10/65% (و در مجموع 57/91 درصد) از واریانس دلبستگی نایمن و ایمن به مادر و 58% و 9/3% (و در مجموع 68/13 درصد) از

³⁴ Stevens, J.

³⁵ Measurd of Childhood Attachment to Each Parent.

³⁶ Hazan, C.

³⁷ principial components

³⁸ oblimin

واریانس دل‌بستگی نایمن و ایمن به پدر را تبیین می‌کرد. شاخص برازندگی تطبیقی³⁹، شاخص برازندگی نرمال⁴⁰، شاخص برازندگی افزایشی⁴¹ و شاخص برازندگی تعدیل شده⁴² نیز در هر دو مقیاس بیش از 0/97 بدست آمد که حاکی از برازش مناسب مدل و ساختار دو عاملی است. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای سبک ایمن و نایمن به پدر و مادر به ترتیب 0/87، 0/8، 0/82 و 0/79 به دست آمد. و نتایج تحلیل مولفه های اصلی با چرخش ابلیمین نیز ساختار ساده 2 عاملی ایمن و نایمن را برای مقیاس دل‌بستگی به هر والد نشان داد.

ب. مقیاس سبک دل‌بستگی به خدا⁴³ (روات و کرک پاتریک، 2002)، مقیاس چند بُعدی دل‌بستگی به خدا مشتمل بر 9 گزاره است. در این آزمون هر 3 گزاره یکی از سبک های دل‌بستگی به خدا را توصیف می‌کنند. هم-خوانی درونی دل‌بستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مطالعه شهابی زاده (1383) به نقل از سپاه منصور و همکاران، (1387) به ترتیب 0/85، 0/69، 0/74 بدست آمد. در مطالعه حاضر نتایج تحلیل مولفه اصلی با چرخش ابلیمین، ساختار ساده 3 عاملی را نشان داد، به هر حال عامل اول دوسوگرا 33/8 درصد، اجتنابی 17 درصد و ایمن 14 درصد (در مجموع 64/8 درصد) از کل واریانس دل‌بستگی به خدا را تبیین می‌کند.

ج. پرسشنامه 2-STAXI⁴⁴ (اسپیلبرگر، 1999)، یک ابزار ممداد و کاغذی و دارای 57 ماده است. که شامل مقیاس‌های حالت خشم و مقیاس صفت خشم که خود شامل خلق و خوی خشمگینانه (4 ماده)، واکنش خشمگینانه (4 ماده) و بروز بیرونی خشم (8 ماده) است و مقیاس کنترل بیرونی و درونی خشم است در مطالعه حاضر در اولین تحلیل عاملی با روش بیشینه احتمال با چرخش واریماکسی مدل ساختار 11 عاملی بدست آمد که با حذف گویه های با محتوای ناهمخوان، ساختار 5 عاملی بدست آمد. عامل اول که مربوط به حالت خشم بود 26/3 درصد واریانس، کنترل خشم 4/4 درصد واریانس و عامل سوم که مربوط به خلق و خوی خشم بود 13 درصد واریانس و واکنش خشم (عامل چهارم) 8/3 درصد و در نهایت برون‌ریزی خشم بوده 4 درصد واریانس را تبیین می‌کرد. در کل 5 عامل، 56 درصد واریانس مقیاس خشم را تبیین می‌نمود. گویه های درون ریزی خشم در عامل های ناهمخوان پراکنده بود که از تحلیل حذف شد.

در پژوهش کنونی جهت بررسی میانجی‌گری دل‌بستگی به خدا در ارتباط بین تاریخچه دل‌بستگی و خشم از مدل یابی معادلات ساختاری و نظریه بارون⁴⁵ و کنی⁴⁶ (1986؛ نقل از توکار و همکاران⁴⁷ 2003) استفاده شد.

یافته ها

به منظور تبیین خشم بر پایه مدل یابی، مفروضه های معادلات ساختاری از جمله: الف) اندازه گیری متغیر ها در سطح فاصله ای، ب) یکسانی پراکندگی متغیر های درون زا: به گونه کلی یکسان نبودن پراکندگی رگرسیون های چند متغیری مدل های لیزرل را ناروا نمی‌سازد، بلکه آنها را ضعیف می‌کند (پدهازر⁴⁸، 1982؛ نقل از هومن، 1384) و پ) فقدان هم خطی چندگانه، بنا بر نظر بسیاری از صاحب نظران (از جمله آشر⁴⁹، 1983؛ نقل از هومن، 1384) همبستگی های کمتر از 0/8 بین متغیر های برون زا نشان دهنده هم خطی بودن چند گانه است. نتایج

³⁹ Comprative fit index (CFI).

⁴⁰ Normal fit index (NFI).

⁴¹ Incremental fit index (IFI).

⁴² Adjusted goodness of fit index (AGFI).

⁴³ Measure of Attachment Style to God .

⁴⁴ STAXI-2 Inventory

⁴⁵ Barone, D. E

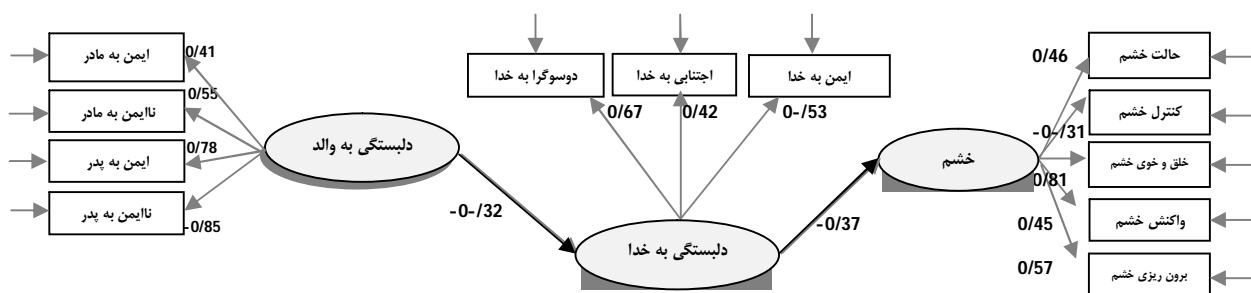
⁴⁶ Kenny, D. A

⁴⁷ Tokar & etal

⁴⁸ Pedhazur, E

⁴⁹ Asher, H. B

پانتر⁵⁹، 1995؛ نقل از هومن، 1384)، می توان استنباط نمود مدل با داده ها برازش خوبی دارد. شاخص روایی متقاطع نیز 0/47 و در فاصله اطمینان قرار گرفت که بیانگر تقریب معقولی در جامعه است (جورسکاگ و سوربوم، 1984؛ نقل از هومن، 1384). افزون بر این ریشه دوم واریانس خطای تقریب 0/052 در فاصله اطمینان قرار گرفت (هیو و بتلر، 1999؛ نقل از هومن، 1384)، البته مقدار مجذور کای نیز در سطح 0/006 ($p=0/0062$) معنادار شد هرچند مقدار مجذور کای تحت تاثیر حجم نمونه افزایش می یابد در مدل حاضر مقدار مجذور همبستگی چندگانه خشم 12 درصد به دست آمد.



شکل 2. ضرایب استاندارد مدل

سازه های مکنون در بیضی و متغیرهای مشاهده شده در مربع نشان داده شده است. همه ضرایب در سطح 0/05 معنادار است. $df=42$; $x^2 = 77/5$ ریشه دوم واریانس خطای تقریب = 0/052 (0/069؛ 0/033)؛ شاخص برازندگی تطبیقی = 0/96؛ شاخص روایی متقاطع = 0/47 (0/56؛ 0/4)

همانطور که شکل 2 نشان می دهد مسیر دلبستگی ایمن به والد با دلبستگی نایمن به خدا $\beta = 0/32$ ، $P < 0/05$ سهم منفی نشان داد که دلبستگی ایمن و نایمن به پدر بیشترین سهم را به ترتیب در کاهش ایمنی به خدا و افزایش ایمنی به خدا به ویژه دوسوگرایی در بر داشت. مسیر دلبستگی نایمن به خدا نیز با بروز خشم $\beta = 0/37$ ، $P < 0/05$ نیز سهم معناداری نشان داد، در این راستا دوسوگرا به خدا با بیشترین سهم در بروز خشم همراه بود.

به منظور درک روشن تر نقش میانجی گری دلبستگی به خدا طبق نظر بارون و کنی (1986؛ نقل از توکار و دیگران، 2003)، مدل جداگانه ای نقش مستقیم تاریخچه دلبستگی را بر خشم بدون حضور متغیر میانجی گر بررسی نمود. شاخص های برازندگی تطبیقی و برازندگی نرمال به ترتیب برابر 0/99 و 0/96 و ریشه دوم واریانس خطای تقریب نیز برابر 0/041 (فاصله اطمینان 0/06؛ 0/000) به دست آمد، شاخص روایی متقاطع نیز برابر 0/25 و در فاصله اطمینان (0/31؛ 0/22) قرار گرفت. افزون بر این مقدار مجذور کای در سطح 0/05 غیر معنادار شد که بیانگر برازش مناسب مدل است. طبق نتایج ضرایب استاندارد شده مدل مستقیم، مسیر دلبستگی ایمن به والد بر خشم $\beta = -0/24$ ، $P < 0/001$ معنادار شد، که البته در مدل حاضر با حضور دلبستگی نایمن به خدا، مسیر های مذکور غیر معنادار می شود ($P > 0/05$)، لذا استنباط می شود. دلبستگی ایمن به والد به طور غیر مستقیم (0/12) و با میانجی گری نایمن به خدا به ویژه دوسوگرایی، بروز و حالات خشم کاهش می یابد.

بحث

⁵⁹ Panter, A.T.

این پژوهش به منظور تعیین دل‌بستگی به خدا در رابطه بین دل‌بستگی دوران کودکی و خشم اجرا شد و مدل حاضر نشان داد دل‌بستگی ایمن به والد(به ویژه پدر) بیشترین سهم را به ترتیب در کاهش و افزایش ایمنی و نایمنی به خدا به ویژه دوسوگرایی در بر داشت. که تأیید کننده فرضیه انطباقی است (بک و مک‌دونالد، 2004؛ مک‌دونالد و همکاران؛ 2005).

با توجه به نتایج حاضر به نظر می‌رسد آسیب ناشی از نایمنی به پدر شدیدتر از نایمنی به مادر باشد، چرا که نایمنی به پدر بیش از مادر با نایمنی به خدا همراه است و این اهمیت نقش پدر را در شکل‌گیری اعتماد نسبت به خدا نشان می‌دهد. فرضیه انطباقی کریک‌پاتریک (1997) رابطه مستقیم بین دل‌بستگی ایمن به والدین و دل‌بستگی به خدا را نشان می‌دهد. به اعتقادی افراد هنگام درماندگی همان ارتباطی را با خدا دارند که در طول دوران کودکی با والدین خود داشته‌اند، برای مثال چون کودک می‌بیند که والدین او در دسترس و پاسخ‌گو هستند و خواسته‌های او را معقولانه برآورده می‌کنند، بنابراین فکر می‌کند که خدا نیز در صورت نیاز همیشه در دسترس و پاسخگو است. این حالت تأیید کننده فرضیه انطباقی است.

با توجه به نتایج ارتباط ضعیف با پدر ناشی از اثر دل‌بستگی نایمن به والد از طریق شکل‌گیری دل‌بستگی دوسوگرا به خدا (همخوان با فرضیه انطباقی کریک پاتریک، 1994) منجر به افزایش در تمام مولفه‌های خشم می‌شود. لذا دل‌بستگی نایمن به والد و با میانجی‌گری دوسوگرا بودن به خدا افزایش حالت، خلق و خو، واکنش و برون‌ریزی خشم شده را موجب و کنترل خشم را کم‌رنگ می‌کند. به هر حال دوسوگرا بودن به خدا همچون پلی می‌باشد که فرد را در مسیر خشم قرار می‌دهد.

در مجموع نایمنی به والد به طور مستقیم دوسوگرایی به خدا را موجب شده و آن نیز بر افزایش حالت خشم اثر می‌گذارد. کریک پاتریک (1994) بیان کرد دل‌بستگی به خدا همانند والد دارای کارکردهای پایه ایمنی و پناهگاه مطمئن می‌باشد؛ لذا فرد دوسوگرا به خدا همانند فرد دل‌بسته دوسوگرا به والد ترس از دست دادن حمایت توجه خدا را دارد، در نتیجه چنین افرادی در شک و تردید و اضطراب نسبت به خدا به سر می‌برند؛ بنابراین در مواجهه با بحران فاقد اعتماد به خدا و پناهگاه مطمئن می‌باشند که منجر به عدم احساس آرامش و تجربه اضطراب و تهدید و در نتیجه برانگیختن و بروز خشم می‌شود. از طرفی افراد دوسوگرا به خدا فاقد پایه ایمنی جهت اکتشاف محیطی و مواجهه با چالش و بحران‌های زندگی هستند (بیکر⁶⁰، 2006). لذا در چنین افرادی به دلیل عدم پایه اعتماد به چهره دل‌بستگی خدا؛ قدرت اکتشاف محیطی کاهش می‌یابد و چنین افرادی دارای کنترل ضعیف عاطفی و فاقد راهبرد موثر تنظیم هیجانات می‌باشند و بنا به گفته بیکر (2006) اگر چنین افرادی اکتشافی داشته و با موقعیتهای مختلف نیز مواجه شوند اضطراب بالایی را تجربه می‌کنند، در نتیجه کنترل خشم چنین افرادی پایین می‌باشد. البته قابل توجه می‌باشد از دل‌بستگی دوسوگرا تحت عنوان دل‌بستگی اضطرابی نیز یاد می‌شود، چرا که ویژگی بارز این افراد بنا به گفته بالبی (1987؛ به نقل از کریک پاتریک و شاور، 1992) اضطرابی بودن آنهاست. بنابراین سطح آستانه این افراد نسبت به دیگران پایین‌تر بوده و احتمال تجربه حالات و صفت خشم افزایش می‌یابد.

در مجموع می‌توان استنباط نمود دل‌بستگی به والد در دوران کودکی و ارتباط با والد نمی‌تواند به طور مستقیم بر شاخص‌های خشم اثر گذارد و مؤلفه‌های مهمی که این رابطه را موجب می‌شود، دوسوگرا با خدا است، بنابراین تقویت معنویت و ارتباط با خدا سریعتر از بهبود کارکرد خانواده و ایجاد پیوستگی و دریافت حمایت از دیگران مهم، خشم را کاهش می‌دهد. نکته پایانی این که دل‌بستگی به والد نقش غیر مستقیمی (با واسطه دل‌بستگی به خدا) بر کنترل خشم دارد، لذا به نظر می‌رسد دل‌بستگی به خدا منجر به ایجاد نوعی شناخت معنوی و مذهبی می‌شود و

⁶⁰.Baker , J.K

تاب‌آوری و صبر را افزایش می‌دهد و در واقع مانع بروز خشم می‌شود و این نکته قابل توجه مداخلات می‌باشد. بدیهی است این یافته‌ها را در پرتو چند محدودیت در نظر گرفت. از آنجا که گروه نمونه از دامنه سنی خاصی انتخاب شده اند لذا در تعمیم یافته به دیگر گروه‌های سنی، قومی و تمام افراد باید احتیاط کرد. پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی، بر روی جمعیت‌های دیگر مورد بررسی قرار گیرند. و محدودیتی دیگر اینکه امکان مداخله متغیرهای متعددی (هوش هیجانی، طبقه اجتماعی،...) است که در این پژوهش کنترل نشده اند، که در پژوهش‌های آتی اعمال شود.

منابع

- خدایاری فرد، م. لواسانی، م. غ. اکبری زرد خانه، س. لیاقت، س. (1386). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی هنجاریابی سیاهه ابراز خشم صفت-حالت 2 اسپیلبرگر در بین دانشجویان دانشگاه تهران. طرح پژوهشی. ریو، ج. م. (1385). انگیزش و هیجان: ویرایش چهارم، ترجمه ی. سید محمدی. تهران: موسسه نشر ویرایش (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، 2005).
- سپاه منصور، م. شهابی زاده، ف. خوشنویس، ا. (1387). ادراک دلبستگی کودکی، دلبستگی بزرگسال و دلبستگی به خدا. فصلنامه روانشناسان ایرانی، سال چهارم، شماره 15، 253-265.
- شهابی زاده، ف. شهیدی، ش. مظاهری، م. ع. (1385). ادراک دلبستگی دوران کودکی و رابطه آن با دلبستگی به خدا در بزرگسالی. فصلنامه انجمن ایران روانشناسی (مجله علمی پژوهشی روانشناسی). سال دهم، شماره 4، زمستان 85. ص 422-440.
- شهابی زاده، ف. مظاهری، م. ع. (1391). دلبستگی ادراک شده دوران کودکی، کنش وری خانواده و مقابله مذهبی. فصلنامه روانشناسان ایرانی. سال هشتم، شماره 31، بهار 91. ص - .
- کلینکه، ک. ال. (1386). مجموعه کامل مهارت‌های زندگی. ترجمه دکتر ش. محمدخانی. تهران: انتشارات رسانه تخصصی.
- هومن، ح. ع. (1384). مدل یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل، انتشارات سمت.

Arbona, C., Power, T.G. (2003). Parental Attachment, Self-Esteem, and Antisocial Behaviors Among African American, European American, and Mexican American Adolescents. *Journal of Counseling Psychology*, 50(1), 40–51.

Baker, J. K. (2006). The Impact of Attachment Style on Coping Strategies, Identity Development and The Perception of Social Support, A Dissertation to the University of Canterbury, Degree for Master of Arts in Psychology. <http://hdl.handle.net/10092/1366>

Beck, R., & McDonald, A. (2004). Attachment to God: The Attachment to God Inventory, Tests of Working Model Correspondence, and An Exploration of Faith Group Differences. *Journal of Psychology and Theology*, 32, No. 2, 92-103.

Ben-Zur H. (2003). Happy Adolescents: The Link Between Subjective Well-being, Internal Resources, and Parental Factors. *Journal of Youth and Adolescence*, 32, 67-79.

Bradshaw, M., Ellison, C. G., & Marcum, J. P., (2010). Attachment to God, image of God, and psychological distress in a nationwide sample of presbyterians. *The international journal for the psychology of the psychology of religion*, v20, 130-147.

Burgess, K. B., Marshall, P. J., Rubin, K. H., Fox, N. A., (2003). Infant Attachment and Temperament as Predictors of Subsequent Externalizing Problems and Cardiac Physiology, *Journal of Child Psychology Psychiatry*, 44, 819-831.

Calamari, e., & Pini, M. (2003). Dissociative Experiences and Anger Proneness in Late Adolescent Females With Different Attachment Styles. *Journal of Adolescent*, 38, 287-295.

Deffenbacher, J. L., Oetting, E. R., Lynch, R. S., & Morris, C. M. (1996). The Expression of Anger and Its Consequences. *Behavior Research and Therapy*, 37, 575-589.

Granqvist, P., & Hagekull, B. (2003). Longitudinal Predictions of Religious Change in Adolescence: Contributions From The Interaction of Attachment and Relationship Status. *Journal of Social and Personal Relationships*, 20, 793-817.

Granqvist, P., & Kirkpatrick, L. A. (2004). Religious Conversion and Perceived Childhood Attachment: A Meta-Analysis. *International Journal for the Psychology of Religion*, 14, 223-250.

Hollister-Wagner G. H., Foshee V. A., Jackson, C. (2001). Adolescent Aggression: Models of Resiliency. *Journal of Applied Social Psychology*, 31, 445-466.

Hooper, D., Coughlan, J., & Mullen, M. R. (2008). Structural equation modeling: Guidelines for determining model fit. *Electronic Journal of Business Research Methods*, 6 (1), 53-60.

Kirkpatrick, L. A., (1994). The Role of Attachment in Religious Belief and Behavior. *Advances in Personal Relationship*, London, 5, 239-256.

Kirkpatrick, L. A., (1997). An attachment-theory approach to the psychology of religion. *International Journal for The Psychology of Religion*, 2(1), 3-28.

Kirkpatrick, L. A., & Shaver, P. R., (1990). Attachment Theory and Religion: Childhood Attachment, Religious Beliefs, and Conversion. *Journal for The Scientific Study of Religion*, 29(3), 315-334.

Kirkpatrick, L. A., & Shaver, P. R., (1992). An Attachment Theoretical Approach to Romantic Love and Religious Belief. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 18(3), 266-275.

Lyons-Ruth, k. (1996). Attachment Relationship Among Children With Aggressive Behavior Problems: The Role of Disorganized Early Attachment Patterns. *Journal of Consulting Clinical Psychology*, 64(1), 64-73.

McDonald, a., Beck, R., Allison, S., & Norswothy, L., (2005). Attachment to God and parents: Testing the correspondence Vs. compensation hypotheses. *Journal of psychology and Christianity*, 24, 21-28.

Meesters, C., Muris, P. (2002). Attachment Style and Self-Reported Aggression. *Psychological Reports*, 90, 231-235.

Miner, M., & Bonab, B. G. (2009). Attachment to God in Christian and Muslim Communities: Foundational for Human Flourishing?, metanexus Conference.

Muris, P., Meesters, C., Morren, M., Moorman, L. (2004). Anger and Hostility in Adolescents: Relationships With Self – Reported Attachment Style and Perceived Parental Rearing Styles. *Journal of Psychosomatic Research*, 57, 257-264.

Rowatt, W. C., & Kirkpatrick, L. A., (2002). Two Dimension of Attachment to God and Their Relation to Affect Religiosity, and Personality Constructs. *Journal for The Scientific Study of Religion*, 41, 637-651.

Rubin, K. H., Dwyer, K. M., Booth-LaForce, C., Kim, A. H., Burgess, K. B., Rose-Krasnor, L. (2004). Attachment, Friendship, and Psychosocial Functioning in Early Adolescence. *Journal of Early Adolescence*, 24, 326–356.

Sim, T. N., & Loh, B. S. M. (2003). Attachment to God: Measurement and Dynamics. *Journal of Social and Personal Relationships*, 20(3), 373-389.

Sim, T. N., & Yow, A. S. (2011). God Attachment, Mother Attachment, and Father Attachment in Early and Middle Adolescence. *Journal of Religion and Health*, 2, 264-278.

Speltz, M. L., Deklyen, M., Greenberg, M. T., (1999). Attachment in Boys With Early Onset Conduct Problems. *Development Psychopathology*, 11, 269-286.

Troisi, A., & Argenio, A. D., (2004). The Relationship Between Anger and Depression in a Clinical Sample of Young Men: The Role of Insecure Attachment. *Journal of Affective Disorders*, 79, 269-272.

Tokar, D. M., Withrow, J. R. , Hall, R. J., & Moradi, B. (2003). Psychological Separation, Attachment Security, Vocational Self-Concept Crystallization, and Career Indecision: A Structural Equation Analysis, *Journal of Counseling Psychology*, 50(1), 77-102.

Van Ijzendoorn, M. H., (1997). Attachment, Emergent Morality, and Aggression: Toward a Developmental Socioemotional Model of Antisocial Behavior. *International Journal of Behavioral Development*, 21, 703-727.

Yoon, P., Rebecca, P. A., Daniels, S, F. (2006). The Impact of Parent – Child Attachment on Aggression, Social Stress and Self Esteem. *International School Psychology Association*, 27(5), 552-566.

Perceived childhood attachment with the mediating of attachment to God, causal anger control model

Hezari, Ch. (M.A)

Shahabizadeh, F. (Ph.D)

Abstract

he purpose of this research was to know attachment to God as a mediator of perceived childhood attachment

to each parent (secure and insecure) and the components of anger. 350 student from Azad university in Kashmar completed measures of perceived attachment to parents (Hazan & Shaver's 1989), attachment to God (Rowatt & Krik Patriik's,2002) and anger control (Spielberger's,1999) with the cluster sampling method. To analysis the results, factorial of variance and the structural equation modeling techniques were used. Results showed that attachment to God, especially ambivalent attachment completely mediate the relationship between insecure attachment to each parent (especially insecure father) and anger components (especially anger temperature). In other word, attachment to parents didn't show direct role in controlling anger which suggests the importance of spirituality and emotional connection with God.

Key words: perceived childhood attachment, attachment to god, anger control.